

۱۲۶۵۱۷۹

**جلوه‌هایی از برخورد عقاید و آرا .
(در دهه ۸۰-۱۳۷۰)**

حیدر علی شاه حسینی

شاه حسینی، حیدرعلی، ۱۳۰۴ -
جلوه‌هایی از برخورد عقاید و آراء (دهه ۱۳۷۰) / حیدر علی شاه حسینی . -
تهران : حیدرعلی شاه حسینی، ۱۳۸۵.

ج ۱

ISBN: 964-06-8220-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۶ - ۲. ایران -- اوضاع اجتماعی --

۱۳۷۶ - الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۴

DSR ۱۵۷۰ / ۱۵ / ۸

کتابخانه ملی ایران

م ۸۵-۷۷۲۲

جلوه‌هایی از برخورد عقاید و آراء

(در دهه ۸۰-۱۳۷۰)

حیدرعلی شاه حسینی

ناشر : مولف

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴

شمارگان : ۴۰۰ نسخه

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۶۴-۰۶-۸۲۲۰-۹ : ISBN: 964-06-8220-9

«حق چاپ محفوظ و مخصوص مولف است»

مرکز پخش : انتشارات چاپخش، بازارچه کتاب تلفن : ۶۶۴۰۴۱۱۰

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	نامه سرگشاده به رئیس جمهور
۱۳	مردم با آراء خود، به برنامه ریاست جمهوری منتخب، مهر تأیید زدند
۲۱	مسأله جوانان و تعهد رئیس جمهور (آقای خاتمی)
۳۷	"صد سال مبارزه برای آزادی"
۴۷	مباحثات و مردم
۵۳	جنگ و دعوا بر سر چیست؟
۶۱	"ز تار و پودر از اعمال خشونت‌آمیز بپرهیزیم!"
۶۹	"در نامه بک بیدار (پاسخ به دادنامه یک پاسدار)"
۷۷	افغانستان و امرای نفع
۸۷	قانون یا "تکلیف"
۹۹	"خودی‌ها کیستند و بر خویشانها برانند؟"
۱۱۱	شوراهای دانش‌آموزی، ضرورت اصلیت؟
۱۲۱	داستان دلکش "یک تغییر!"
۱۲۹	مبارزه مسالمت‌آمیز و مردم
۱۴۱	شان و مقام معلم را چگونه پاس بداریم؟ (خراسان از معلم یا بر معلم؟)
۱۴۹	چه کسانی تاریخ را تحریف می‌کنند؟
۱۵۷	مجلس ششم و انتظارات مردم
۱۶۳	"واقع بینی" و ضرورت اتخاذ تصمیمات واقعی!
۱۶۷	پیامدهای بی‌اعتنایی به معلمان، و حرکت اخیر آنان در تهران
۱۷۹	سیاست جهانی، رسانه‌های گروهی و فوتبال (قسمت اول)
۱۸۳	سیاست جهانی، رسانه‌های گروهی، فوتبال (قسمت دوم)
۱۸۹	رسالت روزنامه‌ها و مجله
۱۹۷	مرگ بر این فوتبال یا مرگ بر این احوال!
۲۰۳	تذکراتی بر مقاله کهنه و نو
۲۱۱	جامعه مدنی (بورژوازی) و برخی دیدگاه‌های چپ‌نما (قسمت اول)
۲۲۳	خصوصیات جامعه مدنی

- جامعه مدنی (بورژوازی) و برخی دیدگاههای چپ نما (قسمت دوم) ۲۲۹
- اکنون بررسی مختصری از سردی بوروکراسی در جوامع مدنی! ۲۲۹
- جامعه مدنی (بورژوازی) و برخی دیدگاههای چپ نما (قسمت سوم) ۲۳۸
- چگونه می توان به آگورا راه یافت؟ ۲۵۳
- ۱- ضرورت وجود تشکل ها و احزاب ۲۵۴
- ۲- رسالت اجتماعی احزاب ۲۵۶
- ۳- موانع قانونی شکل گیری احزاب ۲۵۹
- نامه به دوست ۲۶۱
- شیوه شناخت و برخی تحلیلها و نظرات در این خصوص ۲۸۱
- قرن ۱۹ - یک و میراث بازدارنده قرون گذشته ۳۰۱

به خوانندگان

این کتاب از مسایل و مشکلات و رویدادهایی صحبت می‌دارد که مدت‌هاست به سر راه پیشرفت و بهروزی مردم کشور ایستاده و موجب نگرانی آگاهان و آزادیخواهان شده است.

بنابرین یکی از اهداف عمده جهت نوشتن و نشر مطالب کتاب این است که ما مردم را مستعدش و مستعدیده که بیش از دیگران از این اوضاع نابسانان و ناروا زیان می‌بینیم، برای برطرف شدن از مشکلات راه چاره بجوئیم و چون به تشخیص صاحب این قلم، مهم‌ترین مشکل ما این است که صاحبان قدرت ما اکثریت مردم را از اداره امور کشور، تصمیم‌گیری‌ها دور نگاه داشته‌اند، پس درمان این گرفتاری‌ها، پیش از هر چیز این است که ما مردم بتوانیم کارهای مملکت را هر چند غیرمستقیم، خود به پیش ببریم و مهم‌ترین پیش‌زمینه‌ای که برای این کار لازم است این است که بدانیم چگونه را خواست چه کسانی این مشکلات به وجود آمده است و راه مبارزه با آن شیوه‌ها را براد و گروه‌هایی که موجب آنند، چیست و در همین عرصه است که این کتاب تقریباً بدون پرده‌پوشی و رک و راست، تلاش نموده است سنگلاخ‌ها و آگاهایی که برسر راه ما مردم برای رسیدن به آن خواست قرار دارند، بشناساند.

و برای اینکه این خواست به دست آید باید:

۱- مردم بتوانند عقاید و آراء خود را به وسیله روزنامه‌ها، کتاب‌ها، تجمع‌ها و سخنرانی‌ها در گردهمایی‌ها و ارگان‌های احزاب و جمعیت‌ها و... به گوش دیگران برسانند. سیاهیایی که بر چهره مملکت نشسته و بیماری‌هایی که گرفتارش نموده است برملا سازند تا درمان میسر شود.

۲- تبعیض و بی‌عدالتی نسبت به توده مردم که از جانب کسانی که با تکیه بر قدرت و ثروتی که ناروا به دست آورده‌اند، صورت می‌گیرد یا رواج همه‌گیر ناهنجاری‌های اجتماعی، زمین‌خواری، سودپرستی، تجمل‌خواهی، اعتیاد، مافیای قاچاق و... که هستی و بنیاد کشور را به نابودی تهدید می‌کند، از بین بردن یا لاقابل برای از بین بردن برنامه درست و قابل اجرا تنظیم و کوشش پیگیر به عمل آید.

مثلاً در «نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور» نوشته شده است: «مردم به برنامه اعلام شده توسط شما که در آنها بر سازندگی و آزادی مردم و ممانعت از حیف و میل داران، اجرای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و بیکاری و گرانی و مهر بر از دست دادن ایجاد فضایی که همه اقشار و گروه‌ها از پیر و جوان، مرد و زن بتوانند در آن مهارت‌نظر کنند، رأی دادند و پیداست از شما چه انتظار دارند» یا در «صد سال مبارزه برای آزادی» آمده است: «اینان، طبقات مولد و زحمتکش به آزادی اجتماعی، احزاب، مطبوعات، به معنای واقعی آنها نه با قیمومت دولت-علاقه‌مندند، اما در همان حال معتقدند که پای به پای آن آزادی‌ها حتی‌الامکان بیکاری و بی‌عدالتی اجتماعی و اختلاف طبقاتی کم و کمتر شود و... این شیوه‌ای است که همه مقابله‌ها زندگی مردمان و مشکلات آن را مطرح می‌نمایند و نشان می‌دهند چگونه باید آنها برخورد کرد تا راه برای به وجود آمدن یک آینده بهتر هموار شود:

«امیدوار،

که این نهالک آزادی،

این زاده خجسته پیکار بی‌امان،

انبوه و گشن،

روزی بر این کویر سایه عزت بگسترده!

بایس از اوایل آگاه شد،
از مملکت، از مردمش، از شیوه اداره‌اش.
این وقت تازه درمی‌یابیم که چرخ خیلی جاش می‌لنگه!
اون وقت به خود سی می‌نیم تلاش کنیم، که چرخ و روبه‌راش کنیم!

پیشگفتار

دهه ۱۳۷۰ (بویژه از مقطع خرداد ۷۶ به انسو) نشان داد که مردم ما طالب شرایط تازه‌ای از زندگی و همین‌طور رسانه‌های نو، درباره اداره امور مملکت هستند. واقعیت‌های حدود دو دهه پیش از آن به ما آموخته بود که از اداره کارها کنار ماندن و در انتظار اقدامات اس‌سی از جانب مدیران دست اندر کار مملکت بودن انتظار درستی نیست و باید به یک تلاش جمعی دست زد و برای به ثمر رساندن اهداف بزرگ ملی و مردمی و ورود در مشارکت جدی و تعیین کننده در اداره کارها، از هیچ کوششی دریغ نکرد.

و این فرصت ابراز وجود و اظهار عدم رضایت از آنچه در گذشته نزدیک روی داده بود، در مقطع انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم بدست مردم افتاد، تا خواست خود را با انتخاب آقای خاتمی به ریاست

جمهوری که او نیز حرفهای نسبتاً تازه‌ای به میان آورده و برنامه‌های تا حدودی قابل قبول برای مردم ارائه کرده بود به منصه ظهور برسانند.

اما همانطور که انتظار می‌رفت در راه اجرای آن برنامه‌ها مشکلات بسیاری روی نمود و نشان داد که دنیای کهنه و نیروهای کهنه‌پرست، که در این سالها ثروت و مقام بزرگی بدست آورده‌اند، به این سادگی‌ها از قدرت مداری و اعمال حاکمیت مورد اعتراض مردم که از مشروعیت لازم نیز برخوردار نیست، دست برنمی‌دارند و با تمام قوا و انواع وسایل به مقاومت دست زده و همچنان بر طبل قدرت و خشونت می‌کوبند، طوری که اکنون حرکت و اقدامات اصلاحی را به بن بست کامل کشانده‌اند که مطالب از این جزوه، گوشه‌هایی از جریان این مبارزه، مبارزه بین کهنه و نو را بازتاب و رخن زنت از مشکلات ایجاد شده را نشان می‌دهد.

که هم گویان است که گذار از یک شرایط سخت و عقب مانده که در آن عدالت اجتماعی رعایت نمی‌شود و تضاد و اختلاف گروهی و ستم طبقاتی شدیداً حاکم است، یک وضع پیشرفته‌تر و عادلانه‌تر، دارای چه مشکلات و پیچ و خمهای گوناگون است که بر سر هر پیچ آن چه موانع و خطرات بزرگی در سر راه رهبران قرار دارد و هم برای آیندگان نشانه‌هایی است که متوجه باشند که بر نشان به چنین راههایی، که وارد شدن در آن اجتناب‌ناپذیر نیز هست، بدون آمادگی و آگاهی لازم، بدون آموختن از گذشته‌ها- چه گذشته خودی چه دیگران، بدون درک ضرورت از تغییرات لازم، تغییرات دوران ساز، کار بیهوده و عسر است و باید این حقیقت مورد توجه پویندگان چنین مسیرهایی قرار گیرد که خود را از هر جهت آماده، اجرای چنین اهداف بزرگی بنمایند و سنکلاخ‌های سخت و دشوار این راه نتواند سستی و رکورد در عزم آنان ایجاد کند.

و همچنین نویسنده معتقد است که - اگر خواننده حوصله خواندن و مطالعه داشته باشد - با مطالعه مطالب یاد شده تا حدی پی خواهد برد که کتاب اصلاحات واقعی را منوط به ایجاد شرایطی اساسی و زیربنایی می‌داند، که تا آن شرایط آماده نشود، اصلاحات واقعی معنا و مفهوم نخواهد داشت و عاقبت به یک اقدام صوری و ظاهری که چیزی را عوض نخواهد کرد منتهی خواهد شد و این نظر با پشتوانه تجربیات ۴۰ قرن مردم دنیا چه مردم خودمان و چه دیگر ملتها، که وارد مرحله جدیدی از تمدن صنعتی - ماشینی گردیده‌ایم و مسایل جدیدی در میان طبقات و گروهها، اجتماعی مطرح و نبرد برای تأمین منافع گروهی و طبقاتی بیش از پیش مشاهده شده است، اظهار شده است و بویژه تجربه کشور خودمان چه از زمان مشروطه و نهضت ملی شدن نفت و چه جنبش اصلاحی دوم خرداد (۷۶، ۱) را به یک چنین نتیجه‌ای می‌رساند که اصلاحات، بدون اصلاحات بنیادی و ساختاری، بدون یک جراحی کارساز و عمیق که همه غده‌های مفاصل سرکوب به مافیای قدرت و ثروت را ریشه کن سازد و راه به روی مردم باز شود که فعلاً در تصمیم‌گیری و امور مملکت از طریق مطبوعات، جمعیتها، اتحادیه‌ها، احزاب و ... مربوط به خود، دخالت مؤثر داشته باشند، ممکن نیست برجا نیفتد.

این است شاه‌بیت بیشتر مقالات مندرج در این مجموعه که با تغییرات جزئی و به اصطلاح کم هزینه ظاهری، محال است بتوان یک چنین ساختمان فرسوده را سر پا نگاه داشت و با اطمینان در آن زندگی کرد.

و برای پروراندن چنین ایده‌ای است که نویسنده تلاش کرده است با بضاعت اندک خود به آن دست یابد.

امید است خواننده خود با قضاوت آگاهانه و بی‌طرفانه آن را مورد ارزیابی قرار دهد. باشد که از این طریق برزوایای تاریک این کشور

باستانی، که همچنان محصور در شرایط باستانی و عقب ماندگی است، پرتوی هر چند اندک بتابد تا مسیر راه برای پویندگان قدری روشن‌تر و پیمایشش آسانتر شود.

مقالات این کتاب در دو بخش تنظیم شده‌اند بخش یک، شامل مقالاتی است که بیشتر به مسائل اجتماعی-سیاسی تخصیص یافته‌اند. که در آن نشان داده می‌شود که گروه‌ها و جناح‌های موجود درون ماکت در یک مبارزه سخت و پیگیر درگیرند که گروه‌ها و طبقاتی از شرایط موجود، از قدرت و ثروت و امتیازات بدست آمده، که تا حدودی مورد تهدید قرار گرفته است، دفاع و گروه‌ها و جناح مقابل برای بدست آوردن همان امتیازات و مواضع نسبتاً کلیدی تلاش میکنند که آنها را به عقب‌نشینی نرسانند و قدرت بدست آمده را بیشتر تحکیم و تثبیت نمایند.

و در این میان هر دو گروه با تمام ابزار و وسایلی که در اختیار دارند، به میدان آمده‌اند که نیروی جمع مردم را که نیروی تعیین کننده است در اختیار خود بگیرند و از این طریق به پایگاه اجتماعی مورد اطمینان دست یابند و رقیب را بیشتر تحت فشار قرار دهند و امتیازات بیشتری بدست آورند.

صرفنظر از اینکه کدام گروه مردمی‌تر و به خواسته‌ها و اهداف واقعی و اساسی مردم اهمیت قائل است یا نه، همانطور که اشاره شد به نظر می‌رسد که برای این گروه‌ها چاره‌جویی برای ایجاد یک جامعه مناسب برای زندگی مردم چندان مورد توجه نیست.

بنابراین یکی از مسایل مهمی که خواننده در مقالات این بخش ملاحظه می‌کند، بیان این واقعیت است که این خود مردم و تشکلهای واقعی مردمی-کارگری است، که با اراده و مبارزه خود مردم بوجود آمده باشند و برای مردم باشند، میتوانند به مردم خدمت کنند. از جمله با

اعمال نظارت هشیارانه در همهٔ امور مملکت و پیش از همه از حیف و میل دارائیه‌ها و زیاده‌رویهای قدرت مسلط در امور سیاسی، قضائی، فرهنگی، اجرائی و . . . جلوگیری بعمل آورند و خود را در تصمیم‌گیری کارهای اساسی مملکت شریک گردانند.

که البته چنانکه پیش از این گفته شد، کاری است بس سخت و مشاق که با صبر و بردباری و مبارزه و پیگیری همیشگی میسر می‌شود و یغره آن زمانی موفق می‌شود که بگوید و در عمل نیز همان کند که:

"اگر صد بار خاک فکنندم بار دگر برخیزم و دست طلب برافرازم"
همچنین این رهرو باید بداند که این راه با همهٔ سختیها و ناهمواری‌ها، یگانگی راه درست و مطمئنی است که به سر منزل مقصود منتهی می‌شود و در صورت پیمایش، تا حدودی هموطنان تشنهٔ عدالت و بهروزی را راضی و یک شرط نسبتاً عادلانه و کمتر متضاد و همراه با آسایش را برای اکثریت فراهم خواهد آورد.

به آرزوی بوجود آوردن چنین شرایطی امید را از دست ندهیم و هیچگاه از پویش و مبارزه از پای ننشینیم.

اردیبهشت ۸۵